

ضرورت مقابله با جریانهای تکفیری جهت تحقق وحدت امت

ضرورت مقابله با جریانهای تکفیری جهت تحقق وحدت امت

دکتر محمد حسین مختاری

رییس پژوهشگاه مطالعات تقریبی

چکیده

جهان اسلام امروز درگیر فتنه ای است که منشاء آن جریان های تکفیری است که نه با شیعه سر سازش دارد و نه اهل سنت را برمی تابد .

این جریان وابسته به غرب با قرائتی خودساخته از آموزه های اسلامی سعی در تخریب هر چه بیشتر اسلام در نگاه جهانیان دارد و برای رسیدن به این هدف از هیچ جنایتی واهمه ندارد.

لذا این مقاله در پی بررسی چرایی ضرورت مقابله با گروه های تکفیری در راستای تحقق وحدت امت است که با بررسی های انجام شده، لزوم نفی اسلام هراسی و ضرورت تبیین اسلام اصیل در جوامع بشری، به عنوان مهمترین اصل در مقابله با گروه های تروریستی تکفیری مورد توجه قرار گرفته است.

هم چنین ضرورت امنیت زایی برای جهان اسلامی و دیگر جوامع بشری، در حالی که گروه های تکفیری، امنیت مسلمانان را آشفته، وحدت کشورها را متزلزل ساخته و ثبات و آرامش يك خانواده ای مسلمان را به هم ریخته است بیش از پیش احساس می شود.

بي تردید تجميع و تحقق مولفه هاي مذکور و تلفيق مقابله علمي و نظري و نظامي با هدف سرکوب کامل گروه هاي تکفيري، توطئه هاي آمريکا و متحدانش به ويژه عربستان ، در ترسيم نظام دو قطبي در جهان اسلام منلاشي خواهد کرد.

کلیدواژگان: مقابله با جريانات تکفيري؛ اسلام هراسي، امنيت، فضاي دو قطبي؛ اتحاد امت اسلامي

مقدمه

پديد شوم تکفير از جمله چالش هاي مهم در جهان اسلام است که از زمان امير المومنين(ع) و از سوي خوارج آغاز و به جريانهاي تکفيري عصر ما رسيده است.

اينچنين است که گروه هاي تکفيري جهان اسلام را که بيش از هر زمان ديگري به اتحاد و انسجام نياز دارد با چالش هاي متعدد مواجه کرده و همچون اسلاف خود، به جای مبارزه با دشمنان قسم خورده ای اسلام، بذر تکفير را در جهان اسلام مد پراکنند و قواي مسلمين را تحليل مد ببرند.

از اين رو جريانهاي تکفيري خطرناک ترين پديده هاي اند که امت اسلام به خود ديده است. پديده تکفير با ايجاد فتنه در ميان امت اسلامي ، چالش هاي عظيم سياسي، اجتماعي اقتصادي، فرهنگي منبعت از عملکرد اين گروه هاي تروريستي، مقول صلح، وحدت، امنيت و پيشرفت را به شدت تهديد کرده است.

ظهور گروه هاي وحشت و ارهاب؛ همچون داعش، جبهة النصرة، القاعدة، سپاه صحابه، جند ا، طالبان، جيش العدل، و ... که وحشت و ترور را سرلوحه کار خود قرار داده اند، تبعات بسيار ناگوار در ايجاد خدشه عليه جهان اسلام و مسلمانان در سراسر جهان و ترويج اسلام هراسي به همراه داشته است.

حال با توجه به رخن روز افزون گروه هاي تکفيري در ممالک اسلامي، بر همه مسلمانان لازم است راه هاي مقابله با آن را در پيش گرفته و در راستاي تحقق وحدت امت اسلامي، اين جريانات و گروه ها را ريشه کن نمايند که در اين راستا بالا بردن سطح آگاهي مسلمانان، ترويج تفکر وحدت، توسط علما در بين اقشار مردم و نيز مقابله سخت افزاري و نظامي در جهت نابودي کامل اين گروه هاي تروريستي تکفيري مد تواند تأثير زيادی داشته باشد.

پس از فروپاشي امپراطوري عثماني در 1925، خلافت به عنوان مهم‌ترين دغدغه مسلمانان اهل سنت مطرح شد، به نحوي که تعدادي از متفکران اهل سنت مصري، راهکار اصلي براي برون رفت از اين وضعيت اسفناک را، بازگشت به سلف مي‌دانستند.

لذا بازگشت به سلف نخستين بار در مصر طنين انداز شد، اما وهابيان از اين شعار سوء استفاده کردند و خود را سلفي ناميدند و افکار ابن تيميه را به عنوان افکار سلف ترويج کردند؛ و اين چنين عده‌اي از دردمندان مسلمان به دام افکار ابن تيميه افتادند و خشونت و تکفير برگرفته از افکار ابن تيميه را تبليغ کردند.^[11]

در اين راستا گروه‌هاي تکفيري براي احياي خلافت اسلامي يا دست کم، تأسيس حکومت اسلامي به فتواهاي ابن تيميه تمسک کرده،^[21] گاه با حکم جهاد، تکفير را در جهان اسلام نهادينه مي‌کردند.^[31]

از اين رو به جرأت مي توان مدعي شد همه جريان‌هاي تکفيري از متن گرايش‌هاي فکري سلفيه بيرون آمده‌اند و همه سلفيان تحت تأثير ابن تيميه‌اند که تجلي جنايات گروه هاي تکفيري را مي توان در افکار و اندیشه هاي ابن تيميه مشاهده کرد، به نحوي که وي در آثار خود 917 بار از لفظ «کافر»، 892 بار از لفظ «يقتل»، 829 بار از لفظ «مرتد»، 219 بار از لفظ «يستناب»، 97 بار از لفظ «حلال الدم» و 97 بار از لفظ «وجب توبته و الا قتل» استفاده کرده است.^[41]

وي هم چنين با حرام دانستن تقليد از ائمه اربعه و اعتقاد به انفتاح باب اجتهاد، خود را مجتهد مطلق دانست و حتي فتوا داد که تقليد از ائمه اربعه کفر و ارتداد است.^[51]

در کنار حرمت تقليد، فتاواي شاذ ديگري از او صادر شد که تفرقه گرایی را در جهان امروز تشديد مي کند. يکي از فتاواي شاذ ابن تيميه، جواز مقابله با غازان خان حاکم مغول مسلمان شده بود که با اندیشه سياسي اهل سنت ناسازگار است؛ ليکن همين فتوا، مستمسک گروه‌هاي جهادي براي مقابله با حاکمان سرزمين‌هاي اسلامي و ترور مخالفان قرار گرفته است.^[61] به عبارت ديگر، نخستين فردي که مجوز جهاد عليه حاکم مسلمان را صادر کرد، ابن تيميه است و امروزه جهادي‌ها با تمسک به فتواهاي جهادي ابن تيميه، به قتل و کشتار مسلمانان روي مي آورند.

در نتيجه در سي سال اخير، گروه‌هاي متعدد و متنوعي از جريان‌هاي تکفيري در کشورهاي اسلامي به وجود آمده‌است که غالباً به يکي از سه جريان اصلي تکفيري وهابيت، سپاه صحابه و طالبان، و سلفيه

جهادي (القاعده) وابسته اند؛ در اين ميان مهم‌ترين گروه، سلفيه جهادي است که جهاد را واجب دانسته، و صدها گروه از جمله داعش، جبهه النصره و القاعده به آن متعلق است.

بدون شک پيدايش سلفيه جهادي را بايد در کتابي از سيد قطب به نام معالم في الطريق جستجو کرد؛ سيد قطب با نگارش اين کتاب در پي تبیین اين مسأله بود که زندگي در دوران جاهليت قرن بيستم (فرهنگ غرب)، که بدتر از جاهليت زمان پيامبر است، بايد از بين برود. اگر چه اين نظريه بي اشکال است ليکن فراز دوم از نظريه سيد قطب در اين کتاب مبني بر اينکه هر کس به اين جاهليت راضي باشد او هم کافر است و تمام شهرهاي اسلامي، شهرهاي جاهلي است، جهان اسلام را دچار تلاطم بي حد و حصر نمود زيرا هم مسلمانان و شهرهاي آنها با حکم سيد قطب کافر شدند. لذا توصيف سيد قطب به پيروانش اين بود که به مانند پيامبر (ص) بايد از مکه جاهلي به مدينه النبي هجرت کنند و یک شهر اسلامي تشکيل دهند و سپس با جهاد، در تشکيل حکومت اسلامي بکوشند. [7]

اين حکم اختلاف افکنانه موجبات جذب تعدادي از جوانان تندرو و افراطي اخوان المسلمین، به آراء و اندیشه هاي سيد قطب را فراهم کرد و اينچنين گروه‌هاي تکفيري متعددي در مصر و کشورهاي عربي تأسيس شد.

حال با اين تفاسير و پس از ظهور بيداري اسلامي، به ويژه در اتفاقات سوريه، القاعده سوريه با عنوان جبهة النصره اعلام موجوديت کرد و ديگر پيروان القاعده را به کمک طلبيد. القاعده عراق نيز به رهبري ابوبکر البغدادي به سوريه رفت و در کنار جبهه النصره به جنگ عليه دولت سوريه پرداخت.

در اين زمان گروه تکفيري داعش مهم‌ترين هدفش تشکيل حکومت در عراق و شام بود که شيعيان عراق و شام را مهمترين مخالف خود دانسته و با دولت سوريه و عراق در جنگ است. [8]

بي ترديد حضور نظامي آمريکا در منطقه مهم‌ترين عامل در قدرت يا بي جريان‌هاي تکفيري، در یک دهه اخير است. زيرا بر اساس تفکر سيد قطب، که همه مشکلات را در جاهليت قرن بيستم جستجو مي کرد، يعني همان جاهلتي که در قرن بيستم به غير از فرهنگ غرب و دموکراسي و اومانيسم ارمغان ديگري نداشت. [9] لذا با اين اوصاف، حضور مداخله جويانه آمريکا، زمينه را براي شعله ور شدن آتش فرقه گراني و تشديد جنايات جريانات تکفيري عليه مسلمانان در پوشش جنگ و جهاد عليه نيروهاي عربي و متحدان آمريکا افزايش داده است، لذا در نگاه القاعده، آل سعود هم مثل بقيه حاکمان اسلامي، کافر است و فرقي ميان آل سعود و ديگر حکومت‌ها نيست. [10]

بدین ترتیب نفوذ فرهنگ عربي موجبات احیاء و بازسازي اندیشه سياسي اهل سنت در جهان اسلام را

فراهم کرده است که منجر به ظهور تفکر سلفی مصر شده است، که در نهایت با کمک پول‌های عربستان و سیاست‌های مهار سوسیالیسم از سوی آمریکا، به تفکر سلفی وهابی نزدیک شد، اما از دل جریان سلفی اصلاحی اخوان المسلمین، جریان سلفیه جهادی بیرون آمد که به علت پذیرش یا سکوت در مقابل جاهلیت قرن بیستم، حکم به کفر و ارتداد تمام مسلمانان داد و البته این جریان پس از یازدهم سپتامبر 2001 و حمله آمریکا به افغانستان و عراق جایگاه مردمی خود را تقویت کرد و جوانان بسیاری از سراسر جهان به این تفکر روی آوردند و به القاعده و سپس داعش پیوستند.

از سوی دیگر حضور آمریکا در عراق موجبات سوء استفاده برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس از تکفیری‌ها را فراهم کرد و فضا را به سمت جنگ شیعه و سنی سوق داد و داعش را به جنگ با شیعه ترغیب نمود.

جریان‌ات تکفیری؛ ابزار کلیدی غرب در اسلام‌هراسی

مفهوم اسلام‌هراسی

در وهله نخست باید گفت اسلام‌هراسی^[11] مفهومی است که به ترس، پیش‌داوری^[12] و تبعیض^[13] غیرعقلانی در قبال اسلام و مسلمانان اشاره دارد.^[14] سابقاً این اصطلاح به دهه 1980 م. بازمی‌گردد، اما پس از 11 سپتامبر سال 2001 م. مورد استفاده وسیع قرار گرفت. مؤسس رانیمد تراست^[15] انگلستان، که به امر تبعیض و نفرت در این کشور می‌پردازد، در سال 1997 م. اسلام‌ترسی را به عنوان «ترس و نفرت از اسلام؛ و بنابراین ترس و نفرت از تمامی مسلمانان» تعریف کرد و همچنین ابراز داشت که این اصطلاح بر تبعیض و طرد (exclusion) مسلمانان از زندگی اقتصادی، اجتماعی و عمومی کشور نیز دلالت دارد.

اسلام‌هراسی مهمترین هویت غربی با ابزار جریان‌ات تکفیری

از آنجا که نظام سرمایه‌داری، تنها رقیب خود را «اسلام» می‌داند لذا برای منفی جلوه دادن چهره مسلمانان، جریان‌ات تکفیری را که با خشونت و ترور قرین‌اند، به عنوان هویت مسلمانان جلوه می‌دهد و با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای قوی، سعی می‌کند از تمایل شدید جوانان و جوامع اروپایی و آمریکایی به اسلام جلوگیری کند، زیرا غرب برای اینکه هژمونی گفتمانی خود را پس از جنگ سرد و فروپاشی شوروی حفظ کند، به یک غیر نیاز داشت که همانا «اسلام» بود^[16]، از این رو اسلام‌هراسی به ابزاری مهم در تثبیت و تقویت هویت غربی بدل شد، لذا پس از آنکه نتوانستند با موج فزاینده تمایل به اسلام در اروپا و آمریکا مقابله کنند تلاش کردند با نشان دادن چهره ای خشن از اسلام، جوانان و

مردم اروپا و آمریکا را از اصل اسلام بترسانند و بگیرانند و جوامع مادی و مسیحی خود را از موج اسلام‌خواهی مصون بدارند و اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی را با اسلام اصیل جایگزین کنند.

در این میان تصویری که جریان‌های تکفیری در اختیار رسانه های غربی قرار می‌دهند، چهره خشونت آمیز و متصلب از اسلام رحمانی است، و مردم دنیا را از اسلام ناب دور می‌کند.

لذا سهم غرب در اسلام‌هراسی و در پی آن، اسلام‌ستیزی را هرگز نمی‌توان نادیده گرفت؛ پس از حوادث یازده سپتامبر، غربی‌ها طرح اسلام‌هراسی را بر طبق خواسته «برنارد لویس» [17]، [18] به وجود آوردند. آنان مدل‌های افراطی را در پهنه جغرافیای اسلامی، به منظور زشت نشان دادن چهره‌ای اسلام، حمایت کردند تا به نظریه جاذبه اسلام، که دیگر غربیان، از آن سخن می‌گفتند، خاتمه دهند. به گفته ادوارد سعید، نگاه استثناگرایانه غرب و یا همان غیریت‌سازی، موجب شده است که برای معرفی غرب خوب، اسلام و یا مسلمانان بد، ملاک قرار گیرند. [19]

و یا از دیدگاه الیویه روآ، محقق فرانسوی حوزه‌ی جنبش‌های اسلامی، دین‌داری خالص اسلامی همواره در فرهنگ ملی یا محلی ریشه دارد و این نوع دین‌داری ریشه‌ی پدیده‌ی تروریسم نیست. در واقع شاخه‌ی رادیکال اسلام‌گرایی محصول چیزی است که آن را «سرزمین‌زدایی از اسلام» می‌نامد. یعنی آحاد جوانان مسلمان ریشه‌های فرهنگی خود را از دست داده و در جامعه‌ی کشورهای غیراسلامی رها شده‌اند. این مسئله روشن می‌کند که چرا سرمنشأ بسیاری از اسلام‌گرایان رادیکال، غرب است و نه منطقه‌ی غرب آسیا. [20]

لذا اسلام‌گرایی افراطی داعش اساساً محصول مدرنیته و جهانی شدن است که البته در صحنه‌ی میدانی نیز به جهت هم‌راستایی با منافع راهبردی غرب، نظام سلطه از آن حمایت می‌کند.

از سوی دیگر باید گفت غرب که با رشد سریع اسلام در جهان روبه‌روست، امروزه به شدت بر پروژ‌ اسلام علیه اسلام تأکید می‌ورزد و با حمایت از گروه‌های افراطی و دامن زدن به اختلافات مذهبی، قدرت و قوت مسلمین را تضعیف میکند و از طرف دیگر، چهره‌های مشوه از مسلمین در برابر جهانیان ترسیم مینماید.

اسلام‌هراسان؛ تکفیریون؛ دو روی یک سکه

باید تأکید کرد خدمات متقابل اسلام‌هراسان و تکفیریون؛ [21] در راستای نشان دادن چهره‌های خشن و غیرانسانی و پرخاشگر از اسلام، که از دیرباز جزو تئوری و نقشه‌ی راه کشورهای استعمارگر بوده است.

اینگونه است که در پیوند با نوع ارتباط داعش با رژیم اسرائیل و قدرت‌های غربی، «ادوارد اسنودن»، پیمانکار سابق آژانس امنیت ملی آمریکا اعلام کرد سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی در شکل‌گیری گروه موسوم به دولت اسلامی در عراق و شام (داعش) نقش داشتند و در عملیاتی با نام «لانه زنبور»، گروه داعش را تشکیل دادند.^[22]

در سال‌های اخیر استفاده از جریان‌های تکفیری در جهت اسلام‌هراسی و مقابله با گسترش اسلام در غرب به عنوان مهمترین پروژه قدرت‌های بین‌المللی با استفاده از ابزار رسانه مورد توجه قرار گرفته است تا زمینه گرایش به اسلام در جهان معاصر کاهش یابد. که آخرین تجربه نیز مربوط به حمایت قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای از جریان‌های تکفیری در سوریه و عراق است که برای تضعیف محور مقاومت در منطقه (ایران-عراق-سوریه-حزب الله و حماس) از این جریان حمایت می‌کنند.

در این زمینه مقام معظم رهبری، ایجاد اسلام‌هراسی در جهان و نشان دادن چهره‌های زشت از اسلام را یکی از مصادیق تهدید نرم جریان‌های تکفیری بر شمرده و در این خصوص فرمودند: «جنگ گروهی مسلمان با گروهی دیگر... هم مسلمان‌ها را به جان هم می‌اندازند، هم با بزرگ‌نمایی دستگاه‌های تبلیغاتی دشمن، اسلام را در چشم افکار عمومی دنیا زشت جلوه می‌دهند؛ وقتی تلویزیون‌ها يك آدمی را نشان می‌دهند که به نام اسلام، جگر يك انسانی را دارد می‌جود و می‌خورد، درباره اسلام چه فکر می‌کنند؟ دشمنان اسلام برنامه‌ریزی کردند».^[23]

در عصر حاضر نیز، جریان‌های تکفیری در گوشه و کنار جهان اسلام جنایت‌هایی را رقم می‌زنند که نمونه آن را در تاریخ اسلام، کمتر می‌توان دید. سربریدن، آتش زدن، مثله کردن، تجاوز به نوامیس، نابودی اموال و تخریب بناهای مقدس، گوشه‌هایی از جنایاتی است که آنان به نام اسلام مرتکب می‌شوند.

این جنبش‌های خشنوت‌گرا، مثل داعش، جبهه النصره و القاعده... اسلام‌هراسی را تغذیه کرده و تشدید این تراژدی را در غرب رقم زده است.

بنابراین سیاست‌های اسلام‌هراسی و محکوم کردن مسلمانان به عنوان تروریست، نتیجه فعالیت‌های گروه‌های تروریستی تکفیری است که این بهانه را در اختیار آمریکا قرار داد و ایالات متحده نیز با توجه به توان نظامی و رسانه‌ای خود، از این ابزار برای رسیدن به منافعش بهره کافی برد.

بدین ترتیب مجموعه جنایات گروه‌های تکفیری موجب تغییر چهره اسلام و مسلمین در نزد جهان‌نیان شده

است؛ به نحوی که تا چند سال پیش و قبل از بالا گرفتن غوغای تکفیربها چهره اسلام و مسلمان برای يك اروپایی و آمریکایی چهره آرام و مودب و متین يك زن یا مرد مسلمان با لباس و حجاب مناسب و تمیز و سفید بود که با قرآنی در دست و لبخند زنان و آراسته و با وقار مردم اروپا و آمریکا را با علم و استفاده از عقل و خرد به قرآن و اسلام و عدالت اسلامی دعوت مید کرد، ولی اکنون چهره يك مسلمان فردی خشن و نارنجك بر کمر بسته و تفنگ در دست با محاسنی انبوه و چهرههای خشن و نامرتب و صورتی بسته و لباسی سیاه و هم آور بر تن که فریاد مد زند و مد کشد و آتش مد زند و قلبی خونین در دست دارد به جهانیان معرفی میشود حال با این تفاسیر چه آینده ای از اسلام در ذهن كودك و نوجوان اروپایی و آمریکایی به جا خواهد ماند؟

حال با وجود دشمنان مشترك امت اسلامي همچون آمریکا و اسرائیل و گسترش موج اسلام ستیزی و اسلام هراسی در غرب، ضرورت تقویت همگرایی و تقریب ملل مسلمان بیش از پیش نمایان می شود، به ویژه آنکه بدانیم همه گروههایی که برایجاد تفرقه و تشتت در صفوف مسلمین اصرار می ورزند و با سلاح تکفیر به آتش فتنه و تفرقه در میان مسلمانان دامن می زنند به صورت مستقیم در موفقیت معاندان اسلام در ایجاد اسلام هراسی شریک هستند . بلکه طرح اساسی غرب برای ایجاد حس اسلام هراسی استفاده از روش هویت علیه هویت بوده است یعنی راه اندازی گروه هایی که به ظاهر هم مسلک با مسلمانان هستند تا توسط آنان ریشه اسلام را بزنند و گروه های تکفیری دقیقا ابزار دست غرب برای ترویج پدیده اسلام هراسی هستند.

صیانت از امنیت جهان اسلام در گرو سرکوب جریانات تکفیری

گفتنی است به موازات اسلام گرایی، اقلیت های قومی و مذهبی در خاورمیانه دیگر حاضر به تمکین در برابر رژیم های اقتدارگرا نشدند و شیعیان، مسیحیان، قبطی ها، کردها، بربرها و دیگر اقلیتها در برابر فرایند یکسان سازی رژیم های اقتدارگرا و موروئی یا پاتریمونیال[24] مقاومت کردند.

این وضعیت از یک سو ابزاری برای اجرای سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» در اختیار غرب قرار داد و از سوی دیگر منبعی برای بی ثباتی سیاسی و اجتماعی در کشورهای منطقه شد.[25]

شکی نیست که صلح و دوستی، زیباترین واژههایی است که دل هر انسان آزادهای را جذب خود میکند و به روح و روان او طراوت وصف ناپذیری میدهد؛ اما جریان تکفیری «وها بیت» و گروههای کوچک دیگر، از جمله کسانی هستند که پایههای صلح و امنیت جامع اسلامی و بلکه امنیت جهانی را متزلزل کردهاند و هر روزه تعدادی از مسلمانان بدگناه را با حربه تکفیر میدکشند.

لذا جریان های تکفیری، امنیت مسلمانان را آشفته، وحدت کشور های اسلامی را متزلزل ساخته و

ثبات و آرامش يك خانواده‌ی مسلمان را به هم ریخته است. به گونه‌ای که فرزندان، پدر را تکفیر می‌کنند و برادر، برادرش را بدلیل اینکه پلیس یا سرباز است، می‌کشد. زیرا او در نظرش از طاغوت است و قتلش طبق عقیده‌ی آن‌ها حلال و باعث نزدیکی به خداوند است.

در این بین مشارکت جریان‌های تکفیری همچون داعش با افسران و بازماندگان حزب بعث عراق و نیز خاندان صدام در مبارزه با دولت عراق و هم‌چنین همکاری مخالفان دولت بشار اسد با سلفی‌هایی، همچون داعش، القاعده و گروه تکفیری النصره در جبهه سوریه و درکنار آن همکاری مستقیم این جریان‌ها با برخی کشورهای غربی و منطقه، ناامنی و رعب و وحشت را به ارمغان آورده است.

هم چنین فرو افتادن سوریه در بی ثباتی و منازعات داخلی که از ویژگی‌های فرقه‌ای نیز برخوردار شده است، به القاعده فرصت داده که نیروهای خود را از کشورهای مختلف از جمله افغانستان، پاکستان، کشورهای عربی مانند عراق، عربستان سعودی و شمال آفریقا به خصوص تونس و لیبی به سوریه منتقل کند. با گذر زمان بحران سوریه به یکی از پیچیده ترین چالش‌های سیاسی و امنیتی برای منطقه و امنیت بین الملل تبدیل شد. شعارها در سوریه عمدتاً طایفه‌ای، فرقه‌ای و حتی مستهجن طرح شده اند و بدون تردید شعارهای گروه‌های مسلح در حمایت از آمریکا، ترکیه و قطر و نیز بر ضد سیاست خارجی دولت سوریه را باید آدرسی از منابع و سرچشمه‌های این جریان‌ات به حساب آورد. [26]

از این روگروه‌های تروریستی تکفیری بزرگ‌ترین خطری است که امروز از يك طرف امنیت و آرامش جامعه اسلامی و از طرف دیگر آبروی اسلام و مسلمان را در نزد جهان‌نیان تهدید می‌کند. بلکه در کشورهای اسلامی امنیت، آسایش و مهربانی، جای خود را به خشونت، افراط، انفجار و انتحار داده است.

حال آنکه بر خلاف اعمال گروه‌های تکفیری، با استناد به کتاب و سنت می‌توان دریافت که خشونت و افراطگرایی در فرهنگ اسلامی جایگاهی ندارد و اسلام برای آسایش و امنیت افراد، اهتمام و توجه ویژه‌ای دارد. [27]

در تبیین این مسأله مهم باید به تاریخ اسلام نیز مراجعه کرد، به عنوان نمونه کسانی که از نظر اندیشه، امام علی (ع) را تکفیر کردند در جامعه اسلامی با امنیت زیستند و آنان همان خوارج بودند که حضرت به دلیل این مسئله با آنان به پیکار برخاست، بلکه نبرد حضرت با آنان پس از اختلال در امنیت، راهزنی و ارتکاب قتل وحشیانه صورت پذیرفت.

بنابراین جریان‌های تکفیری در برانگیختن جنگ‌ها و تعصبات مذهبی و طایفه‌ای میان بخش‌های مختلف جامعه اسلامی، از بین بردن انسجام داخلی و اجتماعی میان بخش‌های جامعه اسلامی، نابودی امنیت

داخلی و ثبات سیاسی و اجتماعی... امت اسلامی را برای تخریب و نابودی این امت و این دین سوق می دهند و از آنجا که اسلام دین کرامت و عدالت و خواهان امنیت^۱ برای جامعه اسلامی و دیگر جوامع بشری است لذا گروه^۲های تکفیری^۳ که راه جمود و تحجر و افراطگرایی را در پیش گرفته^۴اند، نمی^۵توانند ترورها و رفتارهای خشونت^۶آمیز خود را در کشتن دیگران و ایجاد رعب و وحشت را مستند به جهاد اسلامی نمایند.

حال آنکه امنیت^۷ فراگیر و همه^۸جانبه، یکی از بنیادی^۹ترین عناصر پیشرفت است. تا امنیت^{۱۰} به وجود نیاید و رفتارها بر اساس پایه^{۱۱}های عقلانی استوار نگردد و خشونت از جامعه دور نشود، نمی^{۱۲}توان به پیشروی و حرکت جامعه^{۱۳}های به سوی نقطه مطلوب امید داشت. این امر در کشورهای اسلامی، متأسفانه در نیم قرن اخیر، به ویژه در دو دهه اخیر، با چالشی جدی روبه^{۱۴}رو شده است. گروه^{۱۵}های تکفیری^{۱۶} به نام دین و به پندار خود، برای انجام دادن واجب دینی جهاد، به ناامنی در میان مسلمانان و کشورهای اسلامی روی آورده، خشونت^{۱۷}های بسیاری آفریده^{۱۸}اند. در برخی از کشورهای اسلامی، به ویژه کشورهایی که رفتار رفتارها و اعمال خشونت^{۱۹}آمیز سلفی و تکفیری^{۲۰} بوده^{۲۱}اند، قتل^{۲۲}ها و کشتارهایی که گاه به سادگی انجام می^{۲۳}شود، تصویر و تصور امنیت را از این کشورها برداشته است؛ امری که زمین^{۲۴}ها و بسترهای عقب^{۲۵}ماندگی را در این کشورها فراهم کرده است.

جریان^{۲۶}های تکفیری^{۲۷} امروزه در قالب گروه^{۲۸}هایی هم چون داعش و النصره، ثبات منطقه^{۲۹}های و به خصوص امنیت^{۳۰} مردم در سوریه و عراق را با تهدید جدی روبه^{۳۱}رو کرده^{۳۲}اند، اما با توجه به اقداماتی که گروه^{۳۳}های تکفیری^{۳۴} در منطقه انجام داده^{۳۵}اند و با عنایت به سابقه عملکرد گذشته آن^{۳۶}ها در تهدید صلح و امنیت^{۳۷} جهانی، و ضعف مفراط سازمان ملل و شورای امنیت در مقابله با گروه های تکفیری، ضرورت مقابله و سرکوب کامل جریان های تکفیری توسط جمهوری اسلامی ایران و متحدین استراتژیک او در منطقه باید از روش^{۳۸}های مختلف از جمله جنگ نیابتی و ارسال تجهیزات به گروه^{۳۹}های اسلامی (حزب الله لبنان، شیعیان عراق و گروه^{۴۰}های اسلامی سنی معتدل) صورت پذیرد، زیرا در صورت سرکوب این گروه^{۴۱}ها تا حدود زیادی از جرئت و توان آن^{۴۲}ها در منطقه کاسته خواهد شد.

مقابله با جریان^{۴۳}ات تکفیری؛ راهکار بنیادین در نفی قطبی سازی جوامع اسلامی

لازم به ذکر است رشد جریان^{۴۴}های تکفیری و عدم مقابله موثر با آن، فرآیند^{۴۵} اسلام^{۴۶}گرایی را با چالش کلیدی قطبی سازی جوامع اسلامی تضعیف کرده و با تفرقه گرایی و تقابل میان شیعه و سنی مواجه خواهد کرد.

یعنی همان رویکردی که از سوی گروه^{۴۷}های تروریستی النصره، داعش و القاعده در سوریه و عراق در

حال وقوع است که علاوه بر به وجود آوردن بحران در سوریه و عراق، به دنبال دو قطبی کردن جهان اسلام در قالب تقابل شیعه و سنی هستند که در صورت وقوع این امر، روند اسلام‌گرایی در منطقه و جهان اسلام با یک چالش جدی مواجه خواهد شد.

مفهوم اسلام‌گرایی

در دنیای معاصر با قرائت‌های متعددی از اسلام نظیر اسلام سنتی، اسلام‌گرایی، حرکت اسلامی، بنیاد گرایی اسلامی، بیداری اسلامی، رادیکالیسم اسلامی و اسلام سیاسی روبه رو هستیم که حاکی از برداشت‌های مخالف و وجود گروه‌های متفاوت اسلام‌گرا در جوامع اسلامی است.^[28] براساس نظریه‌ی گفتمان، اسلام سیاسی، گفتمانی است که هویت اسلامی را در کانون عمل سیاسی قرار می‌دهد، به عبارتی، در گفتمان اسلام سیاسی، اسلام به یک دال برتر تبدیل می‌شود. مفهوم اسلام سیاسی بیشتر برای توصیف آن دسته از جریان‌های سیاسی اسلام به کار می‌رود که خواستار ایجاد حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند. بنا براین اسلام سیاسی را می‌توان گفتمانی به حساب آورد که گرد مفهوم مرکزی حکومت اسلامی نظام یافته است.^[29] یکی از مهم‌ترین کسانی که این مفهوم را در شکل عام آن استخدام کرده، «جان اسپوزیتو» است. وی در این خصوص می‌گوید: اسلام سیاسی عبارت است از: «احیا یا تجدید حیات مذهبی در زندگی خصوصی و عمومی».^[30]

به عبارتی، اسلام سیاسی به عنوان یک نیروی معتبر جدید برای تغییرات مثبت تعریف می‌گردد و «اسلام، راه حل است» شعار اصلی آن است. در این دیدگاه، مسلمانان به اسلام به عنوان مکتبی فراتر از دین و عبادت می‌نگرند و آن را متفاوت با سکولاریسم دولتی موجود در کشورهای اسلامی می‌دانند. این شعار بیشتر در کشورهای شنیده می‌شود که اسلام‌گرایان در براندازی رژیم‌هایی خود مشارکت دارند؛ هم چنین در کشورهایی که گروه‌های اسلامی قادر بوده‌اند به توسعه اهداف خود از طریق مشارکت در داخل سیستم سیاسی موجود [نمونه آرمانی آن جمهوری اسلامی ایران] بپردازند.^[31]

جریان اسلام‌گرایی به رهبری اندیشمندان و عمل‌گرایان مسلمان در دوران معاصر به ویژه پس از فروپاشی نظام دوقطبی از جمله محورهای چالش برانگیز، در دستور کار نظم نوین جهانی بوده است. اسلام‌گرایی در وجوه مختلف ایدئولوژیکی، فرهنگی و امنیتی راهبرد مرکزیت سیستم سرمایه داری لیبرال غربی را به چالش کشیده و دعوی نظم نوین برای اداره جهان و ترسیم آینده روابط بین الملل در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی و نیز حل عادلانه منازعات و اختلافات دارد. سید جمال الدین اسدآبادی، محمد عبده، سید محمد رشید رضا، عبدالرحمن کواکبی، حسن البنا، ابوالعلی مودودی، ابولحسن ندوی، سید قطب، و امام خمینی از جمله رهبران اسلام‌گرای دوران معاصر بوده‌اند.^[32]

باید اذعان نمود رشد جریان‌های سلفی- تکفیری با حمایت دولت‌هایی مانند عربستان سعودی و قطر در راستای اهداف استراتژیک خویش در منطقه، در حال حاضر به منازعه‌ای مذهبی در قالب تقابل شیعه- سنی انجامیده، که در بحران‌های کنونی و کشتارهای خونین شیعیان به دست گروه‌های تکفیری در سوریه و عراق عینیت یافته است. به نحوی که طیف معتدل سلفی‌گرای شیعیان را «مسلمانان منحرف و بدعت‌گذار» می‌نامند که احیاناً «جوامع سنی در معرض تهدید و هجمه آن‌ها قرار می‌گیرند، اما طیف افراطی سلفیون، بی و اهمه، تشیع را «دین خودساخته» می‌خوانند.^[33]

تحلیل گفتمان زرقاوی و یا آثار دیگر نظیر کتاب عبدالرحمن عطیه از نظریه پردازان و چهره‌های شاخص القاعده، زبان و ادبیات ایدئولوژیک سلفی‌گری در این باره به عنوان یک نظام نشانه‌شناسی اثبات می‌سازد که: «شیعه نه تنها از مارقین و خارجین از امت است، بلکه متعلق به دین خود ساخته‌ای است که هدف نهایی آن از طریق ایران، سلطه بر اهل سنت و به دست گرفتن زمام رهبری امت اسلامی است». این تصویرسازی ضد ایرانی ضد شیعی با بهره‌گیری از نشانه‌شناسی فرهنگ، همه روزه در عراق، سوریه... در حال به روز شدن است. به ویژه پس از سال 2003 که از نظر سلفی‌ها، عراقی از دست «اسلام راستین» خارج شده و به دست «رافضان شیعه» افتاده است.^[34]

از سوی دیگر اهداف ایران بعد از انقلاب 1979 م. بر محور صدور انقلاب، موجب نگرانی کشورهای منطقه و به خصوص پادشاهی عربستان سعودی شد. زیرا هرگونه صعود و پیشرفت نهاد انقلابی ایران در منطقه می‌توانست پادشاهی‌های دولت‌های خلیج فارس به خصوص عربستان سعودی را به خطر بیندازد. از دیدگاه عربستان، ایران همیشه در این رویا بوده که رهبر معنوی جهان اسلام باشد. در همین راستا ما شاهد یک حمایت قوی و واضح عربستان سعودی از اعتراض کنندگان سنی در منازعات سوریه، لیبی و یمن^[35] و همچنین جریان‌های تکفیری در بحران‌های اخیر سوریه و عراق علیه شیعیان هستیم.

در واقع، رهبران عربستان سعودی و قطر باور دارند که روی کار آمدن یک رژیم سنی در سوریه و عراق می‌تواند، قدرت شیعیان منطقه را که به ایران نزدیک هستند محدود و در نتیجه وزن استراتژیک منطقه‌ای آن‌ها را در مقابل ایران که در دهه‌ی گذشته از افزایش قابل توجهی در منطقه برخوردار شده است، افزایش دهد. در واقع برای دولت‌های عربستان سعودی و قطر شورش‌های اخیر فرصتی به منظور خارج نمودن سوریه و عراق از صف متحدین ایران و در نقطه مقابل افزایش نقش منطقه‌ای آن‌ها در شمارش مدیترانه برای تغییر موازنه به نفع خود و به ضرر ایران، است.^[36]

در همین راستا عربستان سعودی سعی در تقویت و حمایت‌های مادی از جریان‌های سلفی- تکفیری از

جمله داعش (دولت اسلامی عراق و شام)، النصره و... نموده که همین امر می‌تواند یک جنگ مذهبی خونین در منطقه به وجود آورد و در نتیجه، اسلام‌گرایی در جهان اسلام را با چالشی اساسی و مواجه نماید. به عبارتی، درگیری میان گروه‌های مختلف در جهان اسلام و منطقه (به خصوص میان گروه‌های تکفیری و شیعه) که متأثر از تحریک عربستان سعودی و قطر است، تا حدود زیادی به رشد اسلام‌گرایی ضربه خواهد زد، زیرا در نهایت به جای این که گروه‌های اسلام‌گرا بتوانند به یک اتحاد منسجم در راستای تأثیرگذاری بر تحولات سیاسی و اجتماعی جهان اسلام برسند، در یک منازعه طولانی فرو خواهند رفت. هم چنین به جای این که اسلام‌گرایی، به عنوان الگو و جانشین موفقی در مقابل الگوی لیبرال دموکراسی مطرح باشد، به دلیل منازعات مذهبی خود به چالش تبدیل خواهد شد.

بنابراین تشدید مبارزه فکری و فرهنگی و نظامی علیه جریان‌ات تکفیری در جهان اسلام و نیز موضع گیری علمای مذاهب اسلامی و مدیریت رویکرد جهان اسلامی در اتخاذ مواضع خارج از تفسیر دو قطبی شیعه و سنی، می‌تواند وحدت روز افزون امت اسلامی را محقق سازد.

نتیجه

بی تردید برای تحقق وحدت اسلامی و رفع چالش‌های رشد جریان‌های تکفیری فراروی اسلام‌گرایی، باید از راهکار دیپلماسی ارتباطات گسترده میان گروه‌ها و کشورهای اسلامی و نقش‌سازنده نهاد تقریب مذاهب بهره گرفت؛ هم چنین مقابله نظامی با جریان‌های تکفیری، در واقع، زمینه ساز ارتباطات گسترده میان گروه‌ها و کشورهای اسلامی است که می‌تواند زمینه ساز هم‌گرایی دیدگاه‌ها و نظرات امت اسلامی، در قبال خطر جریان‌های تکفیری را فراهم نماید.

در همین راستا، کاربرد نهاد تقریب مذاهب و کاهش اختلاف استراتژیک میان کشورهای اسلامی و سوق دادن توجهات به طرف منازعه اسرائیل و مسلمانان، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از طرف دیگر، سرکوب فراگیر گروه‌های تروریستی تکفیری از روش‌های مختلف، می‌تواند تا حدود زیادی از گسترش فعالیت این گروه‌ها در منطقه و جهان اسلام جلوگیری کند.

بنابراین پیوند مبارزات علمی و نظامی از سوی امت اسلامی در راستای نابودی جریان‌های تکفیری، بستر ساز اتحاد امت اسلامی و نفی اسلام‌هراسی و بسط و گسترش اسلام نبوی خواهد بود.

هم چنین اهتمام و موفقیت ملت‌ها و دولت‌های مسلمان در نابودی کامل گروه‌های تروریستی تکفیری، نعمت‌ذی‌قیمت امنیت و آرامش را در سراسر گیتی به ویژه کشورهای اسلامی به ارمغان خواهد آورد که حصول این مهم از جمله آثار و برکات جلوگیری از دو قطبی‌سازی و اختلاف افکنی میان شیعه و سنی است، و

موج عظیم اسلام گرایی را بیش از پیش تسهیل خواهد کرد.

کتابنامه

1. رمضان البوطي، محمد سعيد، سلفیه بدعت یا مذهب: نقدي بر مباني وهابيت، تقریظ: واعظ زاده خراساني، ترجمه: حسين صابري، چاپ چهارم، بنياد پژوهش‌هاي آستان قدس رضوي، مشهد 1389 ش.
2. رشيد رضا، محمد؛ الخلافة او الامامة العظمي، دراسه و تقديم وجيه كوثراني، بيروت، دار الطلبة، بي تا.
3. عبدالسلام فرج، محمد، الفريضة الغائبه، مصر (بي نا، بي‌جا، بي‌تا).
4. ابواللوز، عبدالحكيم، الحركات السلفيه في المغرب، مركز دراسات الوحدة العربيه، مغرب 2009 م.
5. ابن تيميه، مجموعه فتاوي، مصر، ١٤٠٠ق/١٩٨٠م.
6. مسجد جامعي، محمد، زمينه‌هاي سياسي حكومت اسلامي در تشيع و تسنن، چاپ اول، انتشارات دانشگاه اديان و مذاهب 1387 ش.
7. مصطفى مصطفى، حمزه، «جبهه النصره لاهل الشام من التأسيس الي الانقسام»، مجله دراسات السياسيه، مركز العربي للابحاث و دراسات السياسات، ش 5، نوامبر 2013 م.
8. معالم في الطريق، مكتبة وهبة، 1964 م / 1384 هـ.ق.
9. جمعي از محققان، عقيدة الطاعة و تبديع المختلف السلفية الجامية؛ (بي نا، بي‌جا، بي‌تا).
10. سعيد، ادوارد، شرق‌شناسي، ترجمه‌ي خنجي لطفي، تهران، اميركبير، 1394 ش.
11. سعيد، ادوارد، شرق شناسي، ترجمه عبدالرحيم گواهي، دفتر نشر فرهنگ اسلامي. 1395 ش.

12. نصر اصفهانی، ابذر، کتاب شناسی تکفیر، 1جلد، دار الإعلام لمدرسة اهل البيت (عليهم السلام) - قم - ایران، چاپ: 1، 1393 ه.ش.

13. یزدان پناه، کیومرث و همکار (1392)، بحران سوریه با تاکید بر رویکرد نظام غرب و راهبرد ترکیه در این کشور، دوفصلنامه بیداری اسلامی، سال دوم، ش3، بهار و تابستان.

14. جمشیدی راد، محمد صادق و محمود پناهی، سید محمد رضا، «مفهوم اسلام سیاسی در انقلاب اسلامی ایران»، پژوهش نامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره 5، زمستان 1391.

15. سعید، بابی، هراس بنیادین: اروپامداری و ظهور اسلام گرایي، ترجمه ی غلامرضا جمشیدی ها و موسی عنبری، انتشارات دانشگاه تهران، 1379.

16. اسپوزیتو، جان، جنبش های اسلامی معاصر (اسلام و دموکراسی)، ترجمه ی شجاع احمدوند، نشر نی، تهران 1389.

17 سیدنژاد، سید باقر، «سلفی گرایی در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره اول، مسلسل 47، بهار 1389.

18 Fredman, S. (۲۰۰۲). Discrimination Law. Oxford: Oxford University Press

19 Roy, Olivier (۲۰۰۴), globalized Islam, newyork, Columbia university press.

20 Fuller, Graham (2006-2007), "The Hizballah-Iran Connection: Model for Sunni Resistance?", The Washington Quarterly, Vol. 30, No. 1..

21 Anoushirvan Ehteham Islamic fundameneis) m in eram wniie. Renere fland Michael Smith (ed) SSues in wondei.

22 . the Saudi American Relations", report of Al Jazeera Center for Studies.

23 .Hassan,Hassan (2013) "The Gulf states: United against Iran, divided over Islamists",in:
The Regional Struggle for Syria, edited by Julien Barnes-Dacey as 9 Daniel Levy, The
European Council on Foreign Relations.

[11]ر.ک:محمد سعيد رمضان البوطي، سلفيه: بدعت يا مذهب، ص 248 به بعد.

[12]ر.ک: سيد محمد رشيد رضا، الخلافة و الامامة العظمي، تمام کتاب.

[13]ر.ک:محمد عبدالسلام فرج، الفريضة الغائبه، تمام کتاب.

[14]ر.ک:عبدالحكيم ابواللوز، الحركات السلفيه في المغرب، ص 113.

[15]ابن تيميه، مجموع فتاوي ابن تيميه، ج4، ص 124.

[16]ر.ک:محمدعبدالسلام فرج، الفريضة الغائبه، ص 21. در اين کتاب با استناد به فتاوي ابن تيميه، جنگ عليه تمام
حاکمان اسلامي، نه تنها مجاز، بلکه واجب دانسته شده است.

[17]ر.ک:محمد مسجد جامعي، زمينه هاي سياسي حکومت اسلامي در تشيع و تسنن، ص 160-169.

[18]ر.ک: حمزه مصطفى مصطفي، «جيهه النصره لاهل الشام من التأسيس الي الانقسام»، مجله دراسات السياسية، مركز
العربي للابحاث و دراسات السياسات، ش 5، نوامبر 2013م.

[9] ر.ک: سید قطب، معالم في الطريق، ص 143.

[10] ر.ک: جمعی از محققان، عقیده الطاعة و تبذیع المختلف السلفية الجامية که به نقد تفکرات سلفیه جهادی درباره آل سعود پرداخته است. هم چنین نامه های ابولید مصري به محقق استرالیایی درباره القاعده و جواب ایشان درباره حاکمان عربستان و ایران در اینترنت.

Islamophobia. [11]

Prejudice. [12]

[13] Discrimination.

[14]. (Fredman,p121).

Ronneymede Trust. [15]

[16] سعید، ادوارد (۱۳۷۹)، شرق شناسی، ترجمه ی خنجی لطفی، تهران، امیرکبیر، ص ۴۸.

Bernard Lewis. [17]

[18] مورخ 94 ساله یهودی انگلیسی امریکایی متخصص تاریخ خاورمیانه و نامدارترین کارشناس روابط بین اسلام و غرب.

[19] برای آشنایی با نظریه ادوارد سعید ر.ک: شرق شناسی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

Roy, Olivier (۲۰۰۴), globalized Islam, newyork, Columbia university press, p.۲۵. [20]

[21] کتاب شناسی تکفیر ؛ ص 188.

[22] کافیلوک، (1394)، بهار عربی یا بهار القاعده؟، سایت دیپلماسی

ایرانی (http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1947912/1394/2/3).

[23] بیانات مقام معظم رهبری: 29/10/1392.

[24] Patrimonial.

[25] (Fuller, 2006-2007: 140-141).

[26] یزدان پناه، کیومرث و همکار (1392)، بحران سوریه با تأکید بر رویکرد نظام غرب و راهبرد ترکیه در این

کشور، دوفصلنامه بیداری اسلامی، سال دوم، ش 3، بهار و تابستان.

[27] کتاب شناسی تکفیر ؛ ص 107.

[28] جمشیدی راد و محمود پناهی، « مفهوم اسلام سیاسی در انقلاب اسلامی ایران»، پژوهش نامه انقلاب اسلامی، شماره 5، ص 128.

[29] بابی سعید، هراس بنیادین: اروپا مداری و ظهور اسلام گرایي، ص 20.

[30] اسپوزیتو، جنبشهای اسلامی معاصر، ص 22.

[31] Anoushirvan Ehteham Islamic fundameneis) m in eram wniie. Renere fland Michael Smith (ed) SSues in wondei.

[32] جمشیدی راد و محمود پناهی، همان، ص 129.

[33] سید نژاد، «سلفی گرایی در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره اول، ص 109.

[34] همان، ص 108.

[35] "The Saudi American Relations" report of .Al Jazeera Center for studies.

Hassan Hassan, "The Gulf states: United against Iran, divided over Islamists", in: The Regional struggle for Syria, edited by Julien Bames-Dacey and Daniel Levy, The European Council on Foreign

